

توسعه پایدار؛ شاخص‌ها و سیاست

مهرداد گودرزوند چگینی*^۱

چکیده

توسعه و بالندگی هر جامعه‌ای در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه و تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه پایدار است. توسعه به مفهوم تحول کیفی، گذار از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر مستلزم ایجاد تغییر همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است. توسعه، فرایندی در هم تنیده و دارای وظایفی گسترده و بخش‌های محیطی مرتبط با زندگی اجتماعی انسانها است و به معنای فراهم شدن زمینه‌های لازم برای پیدایی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آنها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش تواناییهای کمی و کیفی است. توسعه پایدار، نیازمند استفاده از همه ظرفیت و توانایی‌هاست. لازمه سیاست توسعه پایدار، داشتن شاخص‌های اندازه‌گیری برای نیل به اهداف آن است. با توجه به اینکه کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای چشم‌انداز بیست‌ساله می‌باشد بر این اساس در این مقاله مفاهیم توسعه پایدار و شاخص‌های آن برای تحقق سیاست‌های چشم‌انداز کشور تبیین شده است. لذا در این تحقیق یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های توسعه پایدار تابعی است از شاخص‌های رشد و تعالی انسان‌ها در ابعاد مختلف با تاکید بر عوامل ارزش‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، چشم‌انداز، ظرفیت‌نهادی

۱- دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

* نویسنده مسؤل، ایمیل: Godarzvand@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۵

فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم شماره ۲ تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۳۸-۲۱۵

مقدمه

در هر کشوری توسعه زمانی تحقق می‌یابد که برنامه ریزان، برنامه‌ای قوی و متناسب با شرایط و موقعیت محیطی تدوین نمایند. تودارو بر این باور است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و از تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است حرکت می‌کند (تودارو، ۱۳۷۸: ۱۳۶). گالبرایت معتقد است: باید توجه داشت که، اصول برنامه ریزی و چگونگی اجرای برنامه‌ها باید به گونه‌ای قطع و یقین منطبق با شرایط ویژه هر کشور و هماهنگ با مرحله رشدی اقتصادی آن باشد (جیروند، ۱۳۷۳). بنابراین نمی‌توان توسعه را بدون توجه به شرایط هر کشور و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها توجیه کرد. متأسفانه در اکثر کشورهای جهان سوم برنامه‌هایی زیر عنوان، برنامه توسعه وجود دارند که عملاً نمی‌توانند. به توسعه ختم شوند. شاید علت اصلی آن را در فرایند پذیر نبودن برنامه، عدم توجه به ظرفیت نهادی، عدم شناخت کافی و لازم از شرایط اقلیمی و توانمندی‌های بالقوه آن، نبود یکپارچگی برنامه‌ها و نداشتن روندی که پایداری توسعه را به همراه داشته باشد و همچنین سنجش پذیر نبودن برنامه می‌توان یافت. اگر چه علاوه بر موارد فوق، عوامل متعدد دیگری را هم نیز می‌توان در این حوزه مطالعاتی مد نظر قرار داد.

در این مقاله تلاش شده است مفاهیم توسعه و توسعه پایدار، چشم انداز، ظرفیت سازی نهادها که نقش کلیدی در فرآیند توسعه پایدار را بر عهده دارند، مورد بررسی

قرار گرفته است تا شاید توجه تصمیم گیرندگان کلان جهت طراحی، عملیاتی کردن و سنجش برنامه ها را در بر داشته باشد.

۱. ادبیات تحقیق

واژه «توسعه» از اصطلاحات کلیدی اقتصاد سیاسی و سیاست اجتماعی قرن بیستم می باشد که در یک معنای وسیع و گسترده به فرایند تغییر اجتماعی یا سطح و وضعیت برنامه ها در جهت تحول اقتصاد ملی، بویژه در جغرافیای کشورهای جهان سوم و یا استعماری سابق اشاره دارد (Derek, et al., 2009: 155). یکی از مشکلات اساسی در برنامه های توسعه، مشخص نبودن ابعاد توسعه در بخش های مختلف و منقطع بودن آن است. در توسعه پایدار، همه بخش های کشور اعم از روستایی و شهری، خصوصی و دولتی، بایستی از سندی منسجم بنام چشم انداز، که آن هم قابلیت سنجش داشته باشد پیروی نمایند. در ادامه به سیاست ها و رویکرد های استراتژیک توسعه پایدار در کشورهای چین، شیلی و ویتنام پرداخته شده است.

۱-۱. چین

در ربع قرن گذشته، چین از نظر اقتصادی، از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. متوسط سرانه رشد تولید ناخالص سالانه خود را به ۹,۵ درصد درآمد سرانه افزایش داد. چین از وضعیت اقتصاد کم درآمد به اقتصاد متوسط رو به بالا رسیده است. این رویکرد در سه بعد بصورت تدریجی و اصلاحات استراتژیک، تحولات اقتصادی انجام شده است:

الف) برنامه ریزی متمرکز به بازار ب) کشاورزی به اقتصاد صنعتی ۳) اقتصاد بسته به باز (Gilson and Milhaupt, 2011: 244). استراتژیهای سیاستی چین، مجموعه ایی از اصلاحات اقتصادی در طول سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود که منجر به افزایش بیشتر پس انداز و سرمایه گذاری از طریق بسیج منابع بعنوان یک مشخصه اصلی در سیاست های دولت در جهت بازار محور کردن کشور و هدایت قوی دولت بود (Ma and Yi, 2010). در طول دوره اصلاحات در سیاست های چین، سرمایه ناخالص از ۳۰ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۸ افزایش یافت (Yu, 2010).

حتی امروز، فعالیت سیستم مالی کشور چین، وام دهی از طریق بانک های داخلی برای بهبود عملیات تجاری است (DRC and World bank, 2013). چشم انداز جامع کشور چین، مبتنی بر توسعه و تحول ساختاری، بسیج منابع، سیاست های صنعتی شدن و مدیریت اقتصاد در جهت ادغام در اقتصاد جهانی بنانهاده شده است.

۲-۱. شیلی

اصلاحات سیاستی در برنامه توسعه پایدار کشور شیلی، رویکرد عملگرایانه تر و قابل انعطاف به بازار بود. در دهه ۱۹۷۰، تغییر ناگهانی سیاست های اقتصادی از طریق آزاد سازی و واردات و مقررات زدایی در بازار مالی داخلی انجام شد که پاسخ به بحران ۱۹۸۲ پس از بازگشت به سیاست های عملگرایانه تر است. بسیج سیاست های صنعتی و اقتصاد کلان به ویژه در ۱۹۹۰ انسجام بیشتری بین منابع ایجاد کرد. تولید از طریق زنجیره ارزش در دامنه منابع طبیعی، پویایی بخش صادرات را به ارمغان آورد (OECD, 2007). در سال ۲۰۰۶، استراتژیک نوآوری در شورای ملی نوآوری برای ایجاد رقابت و حمایت، دستورالعمل های ملی و خوشه های صنعتی ایجاد شد. در همین راستا ۳ درصد سود معادن برای نوآوری در نظر گرفته شد (Varas, 2012).

شیلی ۳۵ درصد تولید مس جهان و ۳۱ درصد ذخایر آن را به خود اختصاص داده است. ۹۰ درصد اقتصاد شیلی از سال ۱۹۷۰ به صادرات و استخراج مس وابسته بود. ولی در حال حاضر با تغییر در تنوع اقتصادی ۱۳,۶ درصد صادرات مس و بقیه صادرات شامل ماهی، گوشت، خدمات مهندسی است (Fernandez, et al., 2010). دولت شیلی ابزارهای سیاستی سازمان و موسسات را بر مبنای استانداردهای نظارتی، آماده سازی زیر ساخت ها، توسعه صادرات، تحقیق و پژوهش، تامین مالی و یارانه ها قرار داد (Ffrench, 2010). رویکرد توسعه پایدار در شیلی بر محور، رشد صادرات، تنوع و استراتژی طراحی توسعه متمرکز بود. چشم انداز کشور شیلی علاوه بر موارد

اشاره شده در مورد چین، آزادسازی تدریجی بازار و توسعه روستایی از طریق صنعتی شدن تولید در بخش کشاورزی استوار شده است.

۱-۳. ویتنام

کشور ویتنام مسیر توسعه را شبیه چین دنبال کرد. هدف دولت ویتنام تغییر در ساختار اقتصادی و سازمانی از طریق تغییر تدریجی در اصلاحات اقتصادی بود. دلیل شباهت مسیر ویتنام به چین، زمینه های اقتصادی و سیاسی دو کشور بود که سیاست گذاران ویتنام از تجربه چین بهره بردند. برخی از برنامه های توسعه پایدار، اصلاح بخش بانکی، افزایش جهت گیری بازار در مقابل سیستم بانکداری دولتی، تمرکز بر سیاست های پولی و نظارت بر بانکهای تجاری برای بسیج و تخصیص منابع مالی متمرکز شد (Ho and Ashle, 2011).

اقتصاد ویتنام برای رسیدن به توسعه پایدار، دو هدف را دنبال می کرد: (۱) تاکید اقتصاد مبتنی بر بازار که اجازه می دهد قیمتهای داخلی منعکس کننده قیمت جهانی باشد و این برای بهبود تخصیص منابع، افزایش تعداد نهادها خواهد بود. (۲) حمایت از صنایع صادراتی. اصلاحات فوق سبب می شد که فعالیت های تجاری مستقل شود و سرمایه گذاری خارجی بهبود یابد. بستر این کار از طریق تعدیل مالیات، طراحی قانون سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۵ بر پایه تشویق صادرات و افزایش نرخ مالیات بر واردات بود (McCaig and Pavcnik, 2013). سیاست های فوق در کشور شیلی موجب شد ذخایر ارزی تا سال ۱۹۹۵، ۱,۳ میلیارد دلار، در سال ۲۰۰۳ به ۶,۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸ به ۲۳,۹ میلیارد دلار افزایش یابد (بانک جهانی، ۲۰۰۸). چشم انداز جامع در کشور ویتنام، با رویکرد آزادسازی تجارت، ادغام در اقتصاد جهانی و توسعه روستایی تاکید شد.

نوآوری مقاله حاضر، توجه به توسعه پایدار با کاربردهای آن و همچنین شاخص های اندازه گیری مولفه های توسعه پایدار است و نیز نقش ظرفیت نهادی بعنوان کلیدترین راهبرد توسعه بمنظور استفاده از فرصت ها و ظرفیت ها است.

۲. مفهوم توسعه و مفاهیم توسعه پایدار

رشد اقتصادی صرفاً پدیده‌ای کمی است. حال آنکه توسعه پدیده‌ای مرکب از جنبه‌های کمی و کیفی می‌باشد. در حقیقت توسعه اقتصادی علاوه بر آنکه رشد اقتصادی را دربرمی‌گیرد، ابعاد کیفی دیگر نظیر تغییرات بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی را نیز در خود دارد. در توسعه اقتصادی بهبود در عوامل تولید - چه از جنبه کمی و چه از جنبه کیفی - بهبود روش‌های تولید، تغییر ارزش‌ها و تغییر وجهه‌نظرها نیز به چشم می‌خورد. اما در شد اقتصادی چنین نیست (عبدالله جیروند، ۱۳۷۳: ۸۵). راهبرد تقدم رشد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به طور گسترده مورد توجه و اقبال اغلب کشورهای در حال توسعه جهان قرار گرفت و سازمان ملل متحد هدف ۵ درصد رشد در درآمد ناخالص ملی را برای این کشورها مطرح ساخت. نتیجه بکارگیری این سیاست‌ها نشان داد که این کشورها در طول سالهای ۱۹۵۰-۱۹۷۵ به طور متوسط سالانه ۳/۴ درصد رشد داشته‌اند که این نرخ بالاتر از متوسط نرخ رشد کشورهای پیشرفته در اوایل توسعه آنها بوده است. اما همین نرخ رشد بالا نتوانست فقر و بیکاری و نابرابری‌های اقتصادی را از بین ببرد. در بسیاری از کشورها که حتی به نرخ موردنظر دست یافتند، مرگ و میر کودکان بسیار بالا، امید به زندگی بسیار اندک، بی‌سوادی بسیار شایع و توزیع ثروت بسیار ناعادلانه همچنان باقی ماند. به همین دلیل از دهه ۱۹۷۰ توجه اقتصاددانان توسعه به عوامل و شاخص‌های کیفی توسعه مثل کاهش فقر و بیکاری و ... جلب شد و به جای تأکید صرف بر رشد تولید ناخالص ملی، بر افزایش اشتغال، کاهش فقر، توزیع برابر درآمدها و نهایتاً تأمین نیازهای اولیه مردم، تأکید کردند (پروین، ۱۳۷۳: ۴-۳).

در دهه ۱۹۶۰ مفهوم دگرگونی نیز به رشد اضافه شد و توسعه را عبارت از رشد به علاوه دگرگونی با هدف بهبود کیفیت زندگی مردم دانستند (ولفگانگ، ۱۳۷۷: ۲۴). در دهه ۱۹۷۵، یونسکو، در تعریف توسعه اینگونه آورده است که: توسعه باید یکپارچه و فراگیر باشد و فرآیندی تمام‌عیار و چندوجهی که تمام ابعاد در زندگی یک جامعه، روابط آن با دنیای خارج و وجدان و آگاهی را فراگیرد (ولفگانگ، ۱۳۷۷:

۲۷). روشه، توسعه را مجموعه ای از کنش هایی دانسته که بمنظور سوق دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه ای منظم از شرایط زندگی جمعی و فردی صورت می گیرد و در ارتباط با بعضی ارزش ها مطلوب تشخیص داده شده است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

به تدریج از اواسط دهه ۱۹۷۰ مباحث مربوط به پایداری وارد ادبیات توسعه شد. کاربرد اصطلاح توسعه پایدار را برای اولین بار به خانم «باربارا وارد» نسبت داده می شود این مفهوم کلی با «استراتژی حفاظت جهانی» بطور گسترده ای مطرح شد تا محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست را در راستای ایفای نقش به کرد رفاه انسانی به نحو مطلوب مدیریت نماید. توسعه پایدار، با داشتن یک «هدف توسعه ای» و نگاهی جامع و کلی تر از «زندگی در درون مناسبات انسان-محیطی» اهداف اجتماعی- اقتصادی را دنبال می کند (بارو، ۱۳۸۶: ۴۵).

توسعه پایدار عبارت است از توسعه ای که نیازهای کنونی جهان را بدون آنکه توانایی نسل های آتی را در بر آوردن نیازهای خود به مخاطره بیفکند تامین می کند. برخی برای توسعه پایدار سه رکن اساسی متصور شده اند: پایداری زیست محیطی (اکولوژیکی)، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی (Shriberg, ۲۰۰۲). کارآمدی هر سیستمی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری (اکولوژیکی، اقتصاد و اجتماعی) است. توسعه ابعاد مختلفی دارد و عوامل متنوعی زمینه ساز آن است. بعضی از پژوهشگران شش بعد اساسی برای توسعه شناسایی کرده اند. مهمترین بعد توسعه زمان است. به این معنی که آیا خصوصیات و ایستارهای یک جامعه در حال توسعه با عامل زمان تغییر می کند؟ دومین بعد توسعه فضا (Space) است که مربوط می شود به کیفیت توزیع و گسترش توسعه در محیط جغرافیایی یک کشور. شتاب (Kinetic) سومین بعد توسعه است که نسبت میان میزان فعلی (بالفعل) دستیابی به پیشرفت و امکانات بالقوه یک کشور است. چهارمین بعد توسعه ظرفیت تخریبی (Entropy) آن است که مربوط می شود به میزان و درجه تغییر پذیری سیستم و بی نظم های ناشی از تقابل نیروهای معارض درون آن. پنجمین بعد، مربوط می شود به چگونگی توزیع آن بین

اقتدار مختلف جامعه و اتحاد جمعیت یک کشور. سرانجام ششمین بعد توسعه، مسئله توازن آن است که مشخص می‌کند چگونه و به چه میزان برون دادهای یک سیستم با درون دادهای آن در تعادل قرار می‌گیرند (کاظمی، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۴۱).

دنیایی که مک لوهان، آن را دهکده جهانی و تافلر از آن به عنوان خانه جهانی و پستمن آن را دنیای همراه می‌نامند، دنیایی است که دوران دانشمندی در آن پایان پذیرفته و دوران روشمندی و کاوشگری فرا رسیده است (خنیفر، ۱۳۸۳). اصل عدالت بین نسلی، اصل عدالت اجتماعی (عدالت دوران نسلی)، اصل مسئولیت فرامرزی، اصل وابستگی متقابل انسان و طبیعت، اصل زندگی ملایم در زمین و حفظ تنوع زیستی، اصل مشارکت اثر بخش تمام افراد و گروهها در تصمیم‌گیریهایی که زندگی آنها را زیر تاثیر قرار می‌دهد، توجه به فرهنگ و دانش بومی، برابری جنسیتی، صلح و امنیت دسترسی به اطلاعات معتبر را به عنوان اصول فرایند توسعه پایدار معرفی می‌کنند (Filho, ۲۰۰۰). با توجه به پیچیدگی معنی توسعه پایدار، دلی (۱۹۹۶) در تعریف آن معتقد است "هیچ کس مطمئن نیست معنی توسعه پایدار چیست". بنابراین تعریف توسعه پایدار، بسیار پیچیده است بدلیل آنکه دامنه و وسعت توسعه، بر پیچیدگی آن افزوده است (Daly, 1996). مورن و همکارانش، در تعریف توسعه، تاکید بر حفظ و نگهداری محیط زیست تمرکز دارد. هر تعریفی که سازگاری با محیط زیست را نادیده بگیرد ناقص است و توسعه به سرانجامی نخواهد رسید (Moran, et al., 2007).

در کنفرانس ریو، بحث توسعه پایدار از منظر رابطه بین توسعه اقتصادی و حفظ محیط زیست مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. اثرات رشد اقتصادی بر عوامل زیست محیطی، محور این ارزیابی بود. با توجه به گزارش گیلبرت و همکاران (۱۹۹۶) یک جزء دیگر به توسعه پایدار افزوده شد و آن توسعه اجتماعی بود (Gilbert, et al., 1996). با افزودن این جزء، ادبیات توسعه بصورت فزاینده بازتاب یافت بطوریکه توسعه از سه سبب متمایز تشکیل شد: (۱) اجتماعی، (۲) زیست محیطی و (۳) اقتصادی (Mitlin, 1992).

در جهت گریه‌های توسعه، باید سازمانها را به گونه مجموعه‌ای از نظامهای پیچیده و زنده توصیف کرد که اجزاء آنها در توازن منطقی با یکدیگر قرار دارند و هدفی مشترک را دنبال می‌کنند و فرایندی مشترک با نگرشی پویا و به هم پیوسته دارند. اما متأسفانه آنچه که در برنامه‌های توسعه‌های ملی ایران در دوران اخیر ارائه شده است به نسبت آنچه که دیدگاه قانون اساسی و تفکر اسلامی مطرح می‌کند و نیز در مقایسه با کشورهایی که علم فناوری را محور توسعه خود قرار داده اند، تفاوت چشمگیری دیده می‌شود (مکنون، ۱۳۷۶). برنامه‌های توسعه اقتصادی برای جوامع جهان سوم که از اواسط دهه ۱۹۵۰ به این طرف از سوی قدرتهای بزرگ سرمایه داری، به ویژه آمریکا، پیاده شدند در عمل نتوانستند رشد اقتصادی قابل توجهی را در بسیاری از کشورهای مزبور به وجود آورند (Duffield, 2001). کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه پایدار، بایستی بر اساس شرایط و موقعیت جامعه خود برنامه‌ای تدوین کنند که بتواند در یک فرایند مشخص و استفاده از همه ظرفیت‌های ملی با نگرش اقتضایی گام بردارند. با تکیه بر وجود منابع داخلی و یا استفاده از نسخه‌های تجویز شده، بدون توجه به شرایط محیطی، نمی‌توان به توسعه‌ای پایدار دست یافت. رجینالدگرین با بررسی تجربیات و آرزوهای کشورهای کمتر توسعه یافته ۹ عنصر اصلی را استنتاج می‌کند که به نظر وی نقش محوری برای دولت ایفا می‌کند. در اینجا به پنج مورد از این عناصر اشاره می‌کنیم:

۱. خود اتکایی فزاینده ملی عنصر اول در توسعه است.

در اینجا عنصر کلیدی ایدئولوژی است. به طور غالب، در کشورهای در حال توسعه این باور خطرناک وجود دارد که بدون سرمایه، نیروی انسانی و تصمیم خارجی نمی‌توان کاری انجام داد. البته این خطر در صرف استفاده از منابع مالی، نیروی متخصص و شناخت و فکر خارجی نیست، بلکه جانشین کردن آن به جای تلاشها و منابع ملی است. سه زمینه کلیدی برای عمل در جهت خود اتکایی عبارتند از: (۱) بعد مالی؛ (۲) نیروی انسانی سطح بالا برای تصدی پستهای مدیریتی و تکنیکی؛ (۳) مفهوم کلی توسعه.

۲. عنصر دوم، توسعه نیروی انسانی است که به گونه‌ای بسیار وسیع مورد تاکید قرار گرفته است اما به ندرت این امر در چارچوب استراتژی ملی توسعه نیروی انسانی انجام گرفته و از راه یک برنامه آموزشی ملی وابسته به آن تامین و با تخصیص نیروی انسانی برای تامین رفتن افراد مناسب به مشاغل تعیین کننده پشتیبانی شده است.

۳. سومین عنصر، داشتن یک استراتژی توسعه روستایی است، به ویژه که شمار کثیری از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می کنند و درگیر کشاورزی، دامداری و ماهیگیری هستند و استراتژی یا برنامه ویا طرحی که توجه متمرکزی به بخش روستایی نداشته باشد، جنبه ملی نخواهد داشت.

۴. چهارمین عنصر، تغییر ساختار اقتصادی برای به دست آوردن نرخ رشد طبیعی اقتصادی بسیار پویا و ظرفیت یا بازده بالا برای افراد است.

۵. پنجمین عنصر، کنترل کلی فعالیت‌های اقتصادی است که بخشی از آن ناشی از تمایل کلی به دفاع از واقعیت استقلال و بخشی نیز ناشی از رشد واقع گرایانه این نکته است که اعمال کنترل ملی بر جهت و تغییرات یک اقتصاد با بازار آزاد که زیر سلطه شرکتهای خارجی است، چه سخت می نماید(همتی، ۱۳۷۶).

بنظر نگارنده، مفهوم توسعه پایدار، برداشتی ادراکی از کمیت و کیفیت زندگی مردم در ابعاد زیستی، اجتماعی و اقتصادی است. در هر کدام از این ابعاد، میزان تحقق اهداف توسعه، می تواند تعیین کننده میزان دستیابی به توسعه پایدار باشد. بنابراین، توسعه در کشورهای مختلف می تواند تابعی از مجموعه ارزش های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی باشد. البته بایستی به این نکته اشاره داشت که سطح مقیاس با سایر کشورها، همان شاخص های بین المللی با اضافه کردن شاخص های بومی هر کشور است. از طرفی دیگر، لازمه تحقق توسعه پایدار، بکارگیری ظرفیت های نهادی است که آن هم مستلزم استفاده از ظرفیت های موجود و به فعل در آوردن آنها در حوزه های مختلف است.

۳. چشم انداز توسعه در ایران

اصولا هر کشوری برای تحقق اهداف بلندمدت، بدنبال توسعه پایدار است. در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار، براساس سند چشم انداز ۱۴۰۴، جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با متوسط رشد ۸ درصد هدف گذاری شده است. سند چشم انداز بیست ساله کشور، اهداف و راهبردی های بلندمدت کشور برای توسعه را به نمایش می گذارد (انتظاری و محجوب، ۱۳۹۲: ۶۷).

در حالیکه برخی دیگر از کشورهای منطقه برای خویش اهداف بلندی را ترسیم کرده اند. برای مثال، اردن انتظار دارد در افق ۲۰۲۰ تولید سرانه ناخالص داخلی واقعی خود را به دو برابر افزایش دهد و قزاقستان رسیدن به رشد اقتصادی پایدار با سرعت بخشیدن به صنعتی شدن و توسعه زیر ساخت ها را چشم انداز خود در این افق ترسیم کرده است. عربستان، یکی از رقبای اصلی ایران در منطقه و در افق ۲۰۲۵ به دنبال دستیابی به اقتصادی متنوع و شکوفا، با محوریت بخش خصوصی است که ایجاد کننده فرصت های شغلی با ارزش، آموزش با کیفیت، مراقبت های بهداشتی عالی و مهارت های لازم برای تضمین رفاه همه شهروندان با پاسداشت ارزش های اسلامی و میراث فرهنگی پادشاهی است. همچنین ترکیه که اصلی ترین رقیب ایران در این امر است چشم انداز خود را برای سال ۲۰۲۳ که یکصدمین سال شکل گیری این کشور است چنین ترسیم کرده است: "ارتقای ترکیه به کشوری توسعه یافته و انطباق ارزش افزوده اقتصادی، جمعیت، توسعه انسانی و فناوری با شرایط جهانی و دستیابی به جایگاه جهانی بر مبنای ترکیه چند جانبه" (فیض پور و آسایش، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۶). اولین گام برای تحقق توسعه پایدار برخورداری از سندی که چشم انداز بلندمدت کشور را بصورت واقع بینانه لحاظ نماید. از طرفی دیگر، داشتن چشم انداز به تنهایی نمی تواند تضمین کننده توسعه در هر کشوری باشد. بنابراین، بارور کردن ظرفیت های نهادی برای بهره گیری از فرصت ها و قابلیت ها در همه بخش های کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. دومین گام برای تحقق توسعه پایدار، الزامات اجرایی است. در تدوین چشم انداز، ابزار های سیاستی بمنظور عملیاتی شدن برنامه

و راهبردهای جلوگیری از انحرافات احتمالی بایستی تعبیه و طراحی شود. در گام سوم مسیرهای اندازه‌گیری و مقاطع مشخص و معین شده برای ارزیابی اقدامات انجام شده تعیین شود. لازم است طبق برنامه سنجش میزان تحقق چشم‌انداز صورت گیرد تا امکان جلوگیری از انحرافات احتمالی و در صورت لزوم بازگشت به چشم‌انداز در زمان‌های مختلف فراهم شود.

۴. ظرفیت نهادی

در توسعه پایدار، یکی از حوزه‌های اصلی که بر آن تاکید شده و نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار را به همراه دارد ظرفیت نهادی است.

نهادگرایی تنها در قالب روش، رهیافت و نظریه مربوط به مطالعه نهادهای سیاسی خلاصه نمی‌شود. در واقع تحلیل نهادی در مطالعات معاصر علوم سیاسی و مدیریت دولتی از یک سو بررسی‌های حقوقی قانون اساسی را شامل می‌شود و از سوی دیگر قلمرو اداره امور دولتی (Public Administration) را در بر می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۱۲). در حوزه نهادی بر نقش نهادها و ظرفیت‌های آنها در رویه‌ای شدن (مرسوم‌سازی) توسعه پایدار تاکید شده است. یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار نگرش به آن به عنوان یک پارادایم غالب در توسعه است. اینکه آیا توسعه پایدار با همه ابعاد، اصول و اهداف خود به پارادایم غالب در اقدامات، سیاستگذاری‌ها و طرح‌های توسعه تبدیل شده است؟ در این چارچوب است که بحث‌هایی همانند رویه‌ای شدن و نهادی شدن توسعه پایدار به عنوان یکی از مسائل اساسی مطرح می‌گردد (فیض‌پور و آسایش، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

روزلاند (Rosland) که با رویکردی چند بعدی به توسعه پایدار می‌نگرد ضمن تاکید بر نیاز به رویه‌ای شدن آن، اشاره می‌کند که توسعه پایدار باید به عنوان انجام توسعه با شیوه‌ای متفاوت مفهوم‌سازی گردد (Rosland, 1998, 77). مهمترین نهادهای که تاثیر مستقیم بر فرهنگ کلان جامعه می‌گذارند عبارت‌اند از: نظام اقتصادی، نهاد حکومت و ساختار سیاسی آن، مذهب، خانواده و آموزش و پرورش و تمام نهادهایی که به نحوی در قلمرو زیبایی‌شناختی با انواع هنرها سروکار دارند. هر

کدام از این نهادها برای تامین بخشی از نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی سودمندند و رکود یا اختلال در کارآیی و اثربخشی آنها تاثیر نامطلوب روی فرهنگ جامعه می گذارد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به استناد گزارش براتلند، توسعه پایدار را حالتی ایستا و یکسان نمی داند بلکه آن را نوعی فرایند تغییر می داند که در آن به نهادی شدن بسیاری از اهداف، اصول و بنیان های آن، تبدیل به رویه ای معمول در تصمیمات، سیاستگذاری ها، قوانین و مقررات و حتی اقدامات روزمره منتهی می گردد (Strange and Bayley, 2008: 29-30).

از منظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حکمروایی خوب و مدیریت عمومی درست پیش شرط های اصلی برای رسیدن به توسعه پایدار هستند، مسئله ای که مرکز تحقیق توسعه جهانی و مرکز اسکان سازمان ملل هم بر آن صحنه گذاشته اند (Evans et al., 2005: 3).

امروزه در چارچوب رویکرد نهادی به توسعه در سطح عام و توسعه پایدار منطقه ایی به طور خاص، هم در عرصه آکادمیک و هم در عرصه سیاستگذاری و برنامه ریزی توسعه منطقه ای، اهمیت و اعتبار قابل توجهی برای توانایی ها و ظرفیت های موجود در این سطوح قایل شده اند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین، در توسعه پایدار که نوعی فرایند تغییر رخ می دهد که لازمه نهادی شدن اصول، اهداف، سیاست و رویه های اجرایی در تمامی بخش های دولتی و خصوصی و بعبارتی عام کشور است. از طرفی دیگر ظرفیت سازی نهادی، توجه به توسعه منابع انسانی، تقویت و توسعه ساختارهای سازمانی، بهبود و افزایش بسترها و ابزارهای سیاستی برای بالا بردن ظرفیت نهادها و سازمان ها در فرآیند توسعه پایدار است. لذا ظرفیت سازی نهادی، عنصری کلیدی در بسیج کردن منابع در مسیر توسعه است.

۵. شاخص‌های توسعه پایدار

کتاب ضوابط راهنمای مربوط به شاخص اندازه‌گیری توسعه پایدار، نخستین بار از طریق ایجاد یک الگو، سپس بر مبنای یک عامل جهت‌دار و در نهایت توسط شاخص‌ها، سازمان دهی شد. توصیف خلاصه‌ای از متدولوژی متن مربوط به ضوابط راهنما و نقش و جایگاه آنها در اندازه‌گیری شاخص توسعه پایدار، می‌تواند منعکس‌کننده منشأ داده‌ها باشد (Contor, 2011: 13-18).

۱-۵. توسعه اجتماعی

۲- آموزش (سطح تحصیلات)

۱) ثبت‌نام در مقاطع متوسطه (درصد خالص): نسبت ثبت‌نام خالص در واقع همان نسبت کودکان در سن رسمی تحصیل است که بر مبنای ضوابط آموزش و طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی ۱۹۹۷ استوار می‌باشد و منطبق با عوامل و جمعیت نام‌نویسی شده است (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

درصد نام‌نویسی ثانویه (مقطع متوسطه) گنجانده شده در الگوی جهت‌دار آموزش، منعکس‌کننده درصد جمعیت کاملی است که از سطح تحصیلات لازمه در راستای مشارکت فعالانه در بازارهای جهانی برخوردار می‌باشند.

۲- نیروی کار، زن (درصد کلی نیروی کار): نیروی کار زن به عنان یک درصد نشان‌دهنده زنان فعال در سطوح مختلف فعالیتی است. نیروی کارم تشکل از افراد ۱۵ سال و ۱۵ سال به بالاست که مشمول تعریف سازمان کار بین‌المللی جمعیت‌های فعال در عرصه اقتصادی شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

مشارکت شغلی زنان گنجانده شده در الگوهای جهت‌دار آموزشی، منعکس‌کننده سطح تحصیلات (برابری در سواد و آموزش) و سطح قابلیت‌های زنان در استفاده از این تحصیلات در بازارها و جایگاه‌های عملیاتی است. این شاخص گویای این واقعیت است که آموزش ۵۰ درصد از جمعیت نامبرده در برخی از کشورهای رو به توسعه ناموفق بود.

۲-۵. درمان و سلامت

۱- شاخص امید به زندگی در حین تولد (بر حسب سال): شاخص امید به زندگی در بدو تولد، نشان‌دهنده تعداد سال‌هایی است که نوزاد تازه به دنیا آمده، با وجود شرایط و الگوهای رایج مرگ و میر زنده مانده است (بانک جهانی، ۲۰۱۱). درصد امید به زندگی گنجانده شده در الگوی جهت‌دار سلامت به عنوان یک شاخص اصلی سلامت یک جمعیت و مقیاس کلیدی توسعه اقتصادی آینده است. شیوع ایدز (HIV)، درصد کلی (درصد جمعیت در سنین ۴۹-۱۵) شیوع ایدز اشاره به درصد جمعیت افراد ۴۹-۱۵ سال مبتلا به عفونت HIV دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۱). درصد ایدز گنجانده شده در الگوی جهت‌دار سلامت به عنوان مقیاس سلامت و آموزش جنسی یک جمعیت مشخص و نیز سیاست سلامت ملی محسوب می‌شود.

۳- درصد مرگ و میر، نوزادان (به ازای هر ۱۰۰۰ تولد زنده)، درصد مرگ و میر نوزادان، اشاره به تعداد نوزادان مرده قبل از رسیدن به سن یک سالگی، به ازای هر ۱۰۰۰ تولد زنده در یک سال دارد (بانک جهانی).

درصد مرگ و میر نوزادان گنجانده شده در الگوی جهت‌دار درمان، به عنوان یک مقیاس جامع‌تر رفاه اجتماعی به شمار می‌آید. درصد مرگ و میر نوزادان تحت تأثیر عواملی مثل فقر، سطح تحصیلات و وجود شرایط با کیفیت درمانی، فاکتورهای تغذیه و رضایت‌مندی قرار دارد و که روی هم رفته به عنوان یک شاخص کلی سلامت دو جامعه‌اند (UNCSD, 2011).

۳-۵. مسئولیت اجتماعی دولت

۱- سلامت، آموزش و هزینه‌های حمایت اجتماعی (درصد کلی هزینه‌های دولتی)، هزینه‌های خاص به عنوان یک درصد هزینه‌های دولتی کلی، درصد برآیند یا بازده کار دولتی صرف شده برای نیازهای اجتماعی خاص تعریف می‌شود.

هزینه‌های دولتی، به عنوان عوامل بازگوکننده جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی و یک شاخص سیاست ملی در حوزه سرمایه‌گذاری دولتی هستند. تحت این شرایط بازده کار دولت‌ها و سرمایه اختصاص یافته به آن، تضمین‌کننده حفظ رفاه اجتماعی است.

۴-۵. پایداری / ناپایداری

شاخص ناپایداری عمومی، این شاخص یک شاخص آماری ترکیبی است که توسط مارشال مونت کومری طراحی شد و نقش مؤثری در اندازه‌گیری ثبات اجتماعی و دولتی بر مبنای یک مقیاس ۳۰ آیتی (۰-۳۰) دارد.

شاخص ناپایداری عمومی به عنوان یک مقیاس انحصاری ثبات/ ناپایداری (به دلیل ماهیت جامع‌اش) مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص منعکس‌کننده تأثیرات منفی سطوح ثبات ضعیف بر حفاظت محیطی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه است.

۵-۵. توسعه اقتصادی

۱. سرمایه‌گذاری خارجی

۱- کاربران اینترنتی (به ازای هر ۱۰۰ نفر). کاربران اینترنتی افرادی هستند که قادر به دسترسی به شبکه‌های جهانی اند (بانک جهانی).

کاربران اینترنتی (به ازای هر ۱۰۰ نفر)، گنجانده شده در الگوی جهت‌دار سرمایه‌گذاری خارجی، منعکس‌کننده یک ساختار زیربنایی به رسمیت شناخته شده و پیش شرط لازمه برای سرمایه‌گذاری خارجی‌اند. درصد کاربران اینترنتی، علاوه بر قابلیت‌های شهروندان طی مشارکت در بازارهای جهانی، منعکس‌کننده توانایی و قابلیت تجهیزات برقی و منابع رسانش اینترنتی است.

۲- سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم، جریان‌های خالص (% درآمد ناخالص ملی) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در واقع جریان‌های خالص سرمایه‌گذاری مورد نیاز در یک سازمان فعال در حوزه اقتصادی‌اند که به سود مدیریتی پایدار نیاز دارند (۱ درصد یا بیشتر آرا) این نوع سرمایه‌گذاری بیانگر سهام سرمایه (سرمایه سهامداران)، سرمایه‌گذاری مجدد بر روی درآمد و سایر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است (بانک جهانی). جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) گنجانده شده در الگوی جهت‌دار سرمایه‌گذاری خارجی، منعکس‌کننده سطوح جریان سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت اجتماعی در واحدهای تجاری بین‌المللی است.

شاخص استقلال اقتصادی: شاخص استقلال اقتصادی به عنوان یک شاخص ترکیبی، از سوی سازمان Heritage و نشریه وال استریت ارائه گردید. این شاخص از ۱۰ آیتم مجزا تشکیل شده است که در ارتباط با حقوق و قوانین اولیه کارآفرینی (با درجه بندی استقلال اقتصادی ۱۰۰-۰) است.

شاخص استقلال اقتصادی گنجانده شده در یک الگوی جهت دار سرمایه گذاری خارجی به عنوان یک مقیاس محوری، نشان می دهد که سرمایه گذاری خارجی قادر به پیش بینی مشارکت فعالانه شهروندان داخلی در پروژه های توسعه شان هستند و این خود نقش مؤثری در بازنمایی و تجلی سیاست اقتصادی ملی دارد.

ii. ناپایداری مالی

۱- تورم، کاهش تورم GDP (درصدسالانه) تورم از طریق درصد رشد سالیانه عامل کاهش تورم GDP اندازه گیری می شود که نشان دهنده درصد تغییر قیمت در سیستم اقتصادی است. عامل کاهش تورم GDP، اشاره به نسبت GDP در جریان نقدینگی فعلی در شرایط ثابت دارد.

نرخ تورم گنجانده شده در عامل جهت دار ناپایداری مالی به عنوان یک مقیاس عمومی بی ثباتی و تغییرناپذیری محسوب می شود. لذا در شرایط سرمایه گذاری خارجی و برابری قدرت خرید، تغییرناپذیری مالی و تورم از جمله مقیاس های مهم هستند.

iii. درآمد

۱- درآمد ناخالص ملی سرانه (مقدار ثابت \$ ۲۰۰۰). سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)، در واقع اشاره به تقسیم محصول ناخالص داخلی بر جمعیت سالیانه دارد. سرانه تولید ناخالص داخلی، در حقیقت بیانگر افزودن ارزش ناخالص بر تمامی تولیدکنندگان موجود در یک سیستم اقتصادی به همراه مالیات هر محصول و کاهش سوبسیدهایی است که متعلق به ارزش محصول نیستند. سرانه تولید ناخالص داخلی، بدون استدلال های مربوط به استهلاك دارایی های ساختگی یا کاهش منابع طبیعی، محاسبه می شود. لذا داده ها بر حسب دلار مطرح می شوند (بانک جهانی).

یک شاخص توسعه بدون در نظر گرفتن مقیاس درآمد شاخص توسعه محسوب نمی‌شود. از این رو می‌توان چنین استنباط کرد که سرانه تولید ناخالص داخلی مهمترین شاخص نامبرده شده در این حیطه است و به عنوان یک شاخص نرمال موجود می‌باشد. درآمد احتمالاً بهترین طرح و الگوی یک سیستم ملی است و نقش مؤثری در سنجش توسعه اقتصادی دارد.

iv. درآمد دولتی

۱- درآمد مالیاتی (درصد درآمد کلی): درآمد یا عواید مالیاتی، شامل تمامی مالیات‌های دولتی گردآوری شده است. عواید دولتی، بیانگر جامعیت جریان یک حکومت ملی است.

لذا درآمد مالیاتی به عنوان یک شاخص انحصاری توسعه و رشد دولت است که توسط جانسون و رابین ویتز (۲۰۰۷) ارائه گردید.

مالیات‌بندی بیانگر تمایل برخی از افراد در جمعیت‌ها (توانایی تأیید و ارائه هزینه) در انتقال منابع از افراد و واحدهای خصوصی به دولت است. این انتقال منابع، در واقع پلی است میان سیاست‌ها و عوامل مالی، در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که مالیات‌بندی منعکس‌کننده یک پذیرش دولتی از سوی مردم است.

iii: توسعه محیطی

i. خوداتکایی منابع طبیعی

۱- غذا، سوخت و واردات مواد اولیه کشاورزی به عنوان درصد واردات کلی محسوب می‌شوند. واردات مواد اولیه کشاورزی، سوخت و مواد غذایی (تعریف شده به عنوان بانک جهانی) به عنوان درصد واردات تجاری محسوب می‌شود.

درصدهای واردات خاص، به عنوان سطحی توصیف می‌شود که براساس آن یک کشور بر واردات خارجی خود (با توجه به منابع طبیعی اولیه) اتکا می‌کنند. این الگو در واقع یک مقیاس عمومی پایداری منابع داخلی یک کشور هستند.

ii. ثبات و پایداری انرژی

۱- انرژی هسته‌ای و جایگزین (درصد کل مصرف انرژی)، انرژی خالص همان انرژی فاقد کربوهیدراتی است که طی طولی، فاقد دی‌اکسیدکربن است. این انرژی شامل انرژی خورشیدی، زمین حرارتی، هسته‌ای و انرژی آب است.

این شاخص، بهترین مقیاس موجود مصرف انرژی است. استدلال مربوط به اهمیت این شاخص و پایداری انرژی و توسعه محیطی، بر مبنای این فرض استوار است که در آینده این استراتژی نقش سودمندان‌ای در استفاده از انرژی کامل یک کشور دارد.

۲- غذا، سوخت و صادرات مواد اولیه کشاورزی به عنوان یک درصد صادرات کلی، غذا، سوخت و صادرات مواد خام کشاورزی (توصیف شده توسط بانک جهانی) به عنوان درصد صادرات تجاری محسوب می‌شود.

این گروه، از شاخص‌ها به عنوان بخشی از عامل جهت‌دار کنترل منابع داخلی دربردارنده بینشی ایده‌آل در سطوح خارجی اند. به عبارت دیگر، این گروه در ارتباط با منابع طبیعی داخلی استخراج شده و صادر شده با یک شتاب پایدار هیتند.

iv. پتانسیل کاربری اراضی

۱- اراضی قابل کشت (هکتارها بر حسب افراد)، این اراضی شامل اراضی شناسایی شده توسط فائو (FAO) به عنوان اراضی تحت کشت محصولات احتمالی، جایگاه‌های چرا (مرتع)، بازار کار، باغ‌های میوه و... اند. تحت این شرایط، تغییر زراعت، تحولات شگرفی را در اراضی به بار آورد.

موجودیت یا دسترسی به اراضی قابل کشت، نقش و جایگاه مهمی در توسعه و رشد آینده دارد. رشد در سطوح جمعیت ملی منجر به پیدایش سوالاتی پیرامون قابلیت‌های درونی اراضی کشورها در عرضه غذا و مواد غذایی به جمعیت‌های خاص می‌شود.

افزون بر این، تمایل پیوسته شهرنشینی، تأثیر مغایری بر موجودیت اراضی کشاورزی، کاربردی برخی از اراضی و... دارد.

۲- منابع آب‌های شیرین داخلی قابل احیا به صورت سرانه (مترمکعب) جریان منابع آب‌های شیرین داخلی قابل احیا، اشاره به منابع قابل احیای داخلی (جریان رود و

آب‌های زیرزمینی ناشی از ریزش باران) در کشور دارد. منابع آب شیرین داخلی قابل احیا به صورت سرانه، با استفاده از ارزیابی های جمعیت بانک جهانی، محاسبه می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

موجودیت آب‌های شیرین، آمیخته با اراضی قابل کشت- سرانه، که اشاره به پتانسیل، رفاه اجتماعی پایدار در رویداد رشد جمعیت دارد.

بر این اساس به منظور انتقال ارشی قابل زرع و آب‌های شیرین، باید به تشخیص منابع مورد نیاز پرداخت. این شاخص‌ها، منعکس‌کننده مفاهیم احتمالی هستند.

۷. قابلیت اجرا

۱a: تراکم جمعیت (افراد به ازای مترمربع، کیلومتر اراضی)، تراکم جمعیت، اشاره به تقسیم جمعیت سالیانه بر اراضی (برحسب کیلومتر مربع) دارد. جمعیت بر مبنای تعریف اولیه جمعیت استوار است. (تمامی ساکنین صرفنظر از وضعیت قانونی شهروندان، به استثنای پناهندگان که به عنوان بخشی از جمعیت کشور مبدأ به شمار می‌آید). در اکثر موارد، تعریف جرین‌های آب داخلی به رودخانه‌های اصلی و دریاچه‌های محوری اتلاق می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

1b: رشد جمعیت (سالیانه بر حسب درصد): درصد رشد سالیانه جمعیت در سال، اشاره به درصد تصاعدی رشد جمعیت در سال $t-1$ تا t دارد. تحت این شرایط، جمعیت بر مبنای تعریف اولیه شامل تمامی ساکنین به استثنای پناهندگان مقیم در کشور است (به عنوان بخشی از جمعیت کشور مبدأ)، (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

تراکم جمعیت و رشد جمعیت در کنار هم، گویای پایداری سطوح جمعیت آینده و حال است. این دو شاخص تحت تأثیر سطوح محدود منابع محیطی قرار دارد. طی چند دهه اخیر تحولات شگرفی در این حوزه به وقوع پیوست. این دو شاخص در واقع جزء ابعاد اصلی توسعه پایدار هستند.

نتیجه گیری

همانطوریکه در تعاریف مفاهیم و شاخص ها بحث شد، توسعه پایدار، توسعه ایی است که نیازهای کنونی جوامع را بدون مخاطره انداختن نیازهای نسل آینده، برآورده سازند مدنظر قرار گرفته است. از تعریف فوق که هم اقتصاددانان و هم دانشمندان علوم سیاسی و اداری بصورت ترکیبی استفاده می کنند اینگونه برداشت شد که هم رشد اقتصادی و هم رعایت میزان و نوع استفاده، شرایط و امکانات محیطی از موهبت های الهی را در بر دارد. در شاخص اندازه گیری، ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که در ارزیابی میزان تحقق توسعه با تاکید بر توسعه پایدار در هر کشوری اعمال می شود. در نهایت می توان اینگونه تبیین نمود که توسعه، توجه به شاخص های رشد و تعالی انسان ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با تاکید بر عوامل ارزش های فرهنگی است. تعیین اهداف توسعه پایدار، بستگی به قابلیت سنجش مولفه های آن و الزامات اجرایی و جلوگیری از هرگونه سلیقه ایی عمل کردن در وظایف و کارکردها دارد. از جمله عامل مهم و اساسی دیگری که در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش دارد تدوین چشم انداز است بنحوی که تدوین کنندگان خارج از سلايق سیاسی و جناح های موجود در هر کشوری باشند. مجموعه ایی متخصص و صاحب نظر هم در بعد علمی و هم برخوردار از تجربه لازم و موثر، می تواند این وظیفه خطیر را به سرانجام برسانند.

منابع

الف- فارسی

- انتظاری، یعقوب و حسن محجوب، (۱۳۹۲)، تحلیل توسعه اقتصادی و دانش ایران بر اساس سند چشم انداز ۱۴۰۴، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۹۷-۶۶.
- بارو. سی. جی، (۱۳۸۶)، توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل، ترجمه سید علی بدری، مجله تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۴.
- تودارو، مایکل، (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، چاپ نهم.
- پروین، سهیلا، (۱۳۷۳)، روند فقر در برخی از مشاغل، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- جیروند، عبدالله، (۱۳۷۳)، توسعه اقتصادی «مجموعه عقاید»، چاپ چهارم، چاپخانه سهند.
- خنیفر، حسین، (۱۳۸۳)، آموزش و پژوهش؛ قدرتمندترین ابزار توسعه، همایش ملی نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار.
- روشه، گی، (۱۳۷۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی.
- فیض پور، محمد علی و فاطمه آسایش، (۱۳۹۳)، توسعه یافتگی در ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه، سند چشم انداز، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۷۸، صص ۸۵-۱۱۹.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۹)، هفت ستون سیاست، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، سیاست سنجی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- کاظمیان، غلامرضا، فرجی راد، خدر، رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی پورطاهری، (۱۳۹۲)، رابطه ظرفیت نهادی سازی و توسعه پایدار منطقه ایی (مطالعه موردی: شهرستانهای بوکان و اورمیه)، جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیا ایران، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۱۷۳-۱۵۳.
- مکنون، رضا، (۱۳۷۶)، علم فناوری و برنامه سوم جمهوری اسلامی ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۵.
- همتی، عبدالناصر، (۱۳۷۶)، نگرشی بر دیدگاهها و مسائل توسعه اقتصادی، سوش، تهران، چاپ اول.
- ولفگانگ، زاكس، (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، ناشر نشر مرکز.

ب- انگلیسی

Cantor, Max. (2011), Development for the Past, Present, and Future: Defining and Measuring Sustainable Development, Senior Honors Projects, Paper 221. <http://digitalcommons.uri.edu/srhonorsprog/221>

Daly, Herman. (1996), Beyond growth: the economics of sustainable development, Boston: Beacon Press.

DRC (Development Research Center of the State Council of the People's Republic of China) and World Bank, (2013), China 2030: Building a Modern, Harmonious, and Creative Society. Washington, DC, World Bank Publications.

Data, The World Bank, (2011), Retrieved May 12, 2011, from <http://data.worldbank.org/>

Derek Gregory. Ron Johnston, Geraldine Pratt, Michael Watts, Sarah Whatmore, (2009), The Dictionary of Human Geography, Edition 5, Publisher, Wiley.

Duffield, Mark, (2001), Global Governance and the New Wars, London, Zed Book.

Evans, Bob, Marko, Joas, Sundback, Suasn, Theobald, Kate, (2005), Governing sustainable cities, Earthscan, London.

Fernandez-Stark K, Bamber P and Gereffi G, (2010), Engineering services in the Americas. Durham, NC, Center on Globalization, Governance & Competitiveness, Duke University.

Ffrench-Davis Ricardo, (2010), Economic Reforms in Chile: From Dictatorship to Democracy. Basingstoke and New York, Palgrave Macmillan.

Filho, W. Leal (2000), Dealing with Misconception on the Concept of Sustainability, International Journal of Sustainability in Higher Education, vol, 1, No1.

Ho A & R. Ashle B, (2011), Banking reform in Vietnam. Asia Focus. San Francisco, Federal Reserve Bank of San Francisco.

Gilbert., Stevenson. Girardet, & Stren. (1996), Making cities work: the role of local authorities in the urban environment. London: Earthscan.

Gilson Ronald & Milhaupt Curtis, (2011). economically benevolent dictators: Lessons for developing democracies. American Journal of Comparative Law, 59(1): 227-288.

Ma Guona & Yi W, (2010), China's high saving rate: Myth and reality. BIS Working Paper No. 312, Bank for International Settlements, Basel.

McCaig Brian & Pavcnik Nina, (2013), Moving out of agriculture: Structural change in Vietnam. Working Paper No. 19616, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA.

Mitlin, Diana, (1992), Sustainable Development: A Guide to the Literature. Environment and Urbanization, 4(1), 111-124.

Moran, Wackernagel, Kitzes, Goldfinger, & Boutaud, (2007), Measuring Sustainable Development. Ecological Economics, 64, 470-474.

OECD (2007). Chile. OECD Reviews of Innovation Policy. Paris.

UNSD: Resources - Publications - Core Publications, (1992, September 4). United Nations, Retrieved May 12, 2011, from <http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/> 14. UNESCO Institute for Statistics:

UNESCO Institute for Statistics (3.14), (2011), Welcome to the UIS Website. Retrieved May 12, 2011, from http://www.uis.unesco.org/ev.php?ID=2867_201&ID2=DO_TOPI

Strange, Tracey & Bayley, Anne, (2008), Sustainable Development (Linking Economy, Society, Environment), OECD Publishing.

Shriberg, Mike , (2002), Sustainability in as higher Education: Organizational factors influencing campus Environmental performance and leadership. Dissertation the University of Michigan.

Roseland, Mark. (1998), Towards Sustainable Communities: Resources for Citizens and their Governments, Stony Creek CT: New Society publishers.

Varas ME (2012). Economic diversification: The case of Chile. New York, NY, Revenue Watch Institute.

World Bank, (2005), Reserve Bank of India, Economic stabilizing Board, Japan.

Yu Y (2010). Asia: China's policy response to the global financial crisis. Journal of Globalization and Development. 1(1), Article 12.